

تبیین حوزه معنایی واژه «مبین» در قرآن کریم

عزت ملاابراهیمی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۷

فاطمه قهرمانی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۸

چکیده

از آنجا که واژه‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و محیطی قرار می‌گیرند و به دنبال آن تغییراتی در معانی آن‌ها به وجود می‌آید، شناخت این تغییرات و دلالت‌های معنایی آن در فهم متون امری ضروری به نظر می‌رسد. در واقع آشنایی با معانی حقیقی و مجازی واژگان است که مخاطب را از برداشت نادرست‌رهایی می‌بخشد. از این رو نگارندگان در این پژوهش که به روشی توصیفی-تحلیلی انجام شده است، بر آن‌اند تا نخست به ارائه توضیح مختصری درباره علم معناشناسی بپردازند. سپس با استفاده از منابع معتبر تفسیری قرآن کریم، کاربرد واژه "مبین" را به همراه موصوفات مختلف آن بررسی کنند و دلالت‌های معنایی آن را تبیین نمایند. از یافته‌های پژوهش برمی‌آید که این واژه در آیات مختلف قرآن کریم، سیر تحول معنایی مختلفی را پشت سر نهاده و افزون بر معنی "آشکار" در معانی دیگری نیز به کار رفته است.

کلیدواژگان: معنی اصلی، معنی ثانوی، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی.

مقدمه

معناشناسی در واقع تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است، به منظور آنکه سرانجام جهان‌بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه تنها همچون وسیله سخن گفتن و اندیشیدن بلکه مهم‌تر از آن همچون وسیله‌ای برای تصور و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده است به کار می‌برد (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۴). در واقع معناشناسی کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه علمی به عهده دارد (ممتحن و عظیمی، ۱۳۹۴: ۶۴).

معناشناسی یکی از علوم است که همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی بوده است و توجه به آن کمک شایانی به انسان در فهم متون دینی و ادبی می‌کند. قرآن کریم نیز که در شرایط محیطی گوناگون و متناسب با افراد و اقوام مختلف نازل شده، کلمات آن در این زمان‌ها و حتی در یک زمان دربرگیرنده معانی متفاوت است. از طرفی دیگر واژگان هر زبان با توجه به تغییرات و تحولات اجتماعی، ابزار زندگی، علم و فنون و مسائلی از این قبیل، تحول معنایی پیدا می‌کند و باید بین معنای اول و معنای جدیدی که برای واژه به وجود می‌آید، شبکه ارتباط معنایی وجود داشته باشد. این رشته ارتباطی همان جامع بین دو معناست. شناخت تحول معنایی فایده‌اش آن است که مخاطب متون را به خوبی می‌فهمد و در ترجمه معانی واژگان با مشکلی مواجه نمی‌شود.

کلیات و اهداف تحقیق

در قرآن کریم هر واژه‌ای یک معنی اصلی و یک‌سری معانی نسبی دارد. معنی اساسی در صورت بدست آوردن ریشه کلمه پیدا می‌شود و به ندرت و بسیار کم تغییر می‌کند. ولی معنی نسبی از ارتباط یک واژه با واژه‌های دیگر به دست می‌آید و با چینش واژه‌ها در کنار همدیگر، ارتباط معنایی آن‌ها مشخص می‌شود. برای پی بردن به معانی نسبی باید نوعی قرینه‌شناسی انجام داد و تمامی کلماتی را که با واژه اصلی در ارتباط‌اند، مورد بررسی قرار داد. از این رو نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند تا دلالت‌های معنایی واژه "مبین" را آشکار سازند و در صدد پاسخگویی به این سؤال برآمده‌اند که:

- ۱- معانی اصلی و نسبی واژه "مبین" چیست؟
۲- واژه "مبین" به هنگام کاربرد با موصوفات مختلف قرآنی چه دلالت‌های معنایی پیدا می‌کند؟

پیشینه تحقیق

درباره مفهوم واژگان قرآنی و لایه‌های مختلف معنایی آن تا کنون پژوهش‌های بی‌شماری انجام شده که به جهت گستردگی موضوع، ذکر تمامی آن‌ها در این جستار نمی‌گنجد. از این رو تنها به برخی از مقاله‌هایی که در این راستا تدوین شده، اشاره می‌کنیم:

- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۳)، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و احادیث»، مطالعات روش‌شناسی دینی، شماره ۲.
- سیدی، حسین و علی رفیعی، (۱۳۹۳)، «معناشناسی ایثار در قرآن کریم»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۲.
- مصلائی‌پور، عباس و الهه تاجیک، (۱۳۹۳)، «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره ۱.
- خوانین‌زاده، محمد علی، (۱۳۹۴)، «بررسی معناشناختی کاربرد اسم فاطر در قرآن کریم»، مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۹.
- افتخاری، اصغر و مجتبی باباخانی، (۱۳۹۴)، «معناشناسی استکبار در قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۱.
- مهدی ممتحن و محمد عظیمی، (۱۳۹۴)، «معناشناسی تقیه در قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۳.
- نگارندگان از بررسی‌های انجام‌شده دریافته‌اند که درباره تحولات معنایی واژه "مبین" در قرآن کریم تا کنون پژوهشی ارائه نشده است، از این رو در مقاله حاضر بدان پرداخته‌اند.

معنای ذاتی و نسبی واژگان

اشاره به این مهم در این نوشتار ضروری خواهد بود که هر واژه‌ای هنگامی که در بافت یا جمله تازه‌ای به کار می‌رود، بی آنکه معنای "اساسی" یا همان معنای "پایه" خود را از دست بدهد، معنای نسبی تازه‌ای نیز پیدا می‌کند. این ویژگی فقط مربوط به واژگان نیست، بلکه هر عنصری خود به تنهایی دارای وجود مستقل و "پایه" است. در عین حال رشته‌های ارتباطی که هر عنصر با دیگر عناصر پیرامون خود دارد، نقش تازه‌ای برای آن عنصر پدید می‌آورد که این نقش تازه به آن اصل "پایه" یا "اساس" خود عنصر افزوده می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر و دگرگونی که می‌تواند خیلی سریع اتفاق بیافتد، نقشی است که هر عنصر یا هر پدیده از طریق همین رشته‌های ارتباطی برای خود ایجاد کرده است. بنابر این هر کلمه فردی چون به صورت منعزل و جدا از دیگر کلمات در نظر گرفته شود، معنی اساسی یا محتوای تصویری ویژه خود را دارد که اگر آن کلمه را از قرآن هم بیرون بیاوریم، این معنی را برای خود حفظ می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۴). در واقع کلمات نموده‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای هستند و در جهان واقعیت حتی یک کلمه هم نمی‌توان یافت که معنی مجسم و ملموس آن کاملاً به وسیله آنچه معنی اساسی می‌نامند پوشیده شود. همه کلمات بدون استثناء کم و بیش به صورتی برجسته با رنگی برخاسته از ساخت فرهنگی محیطی که فعلاً در آن وجود دارند رنگین شده‌اند (همان: ۲۰). به عقیده زبان‌شناسان سه علت عمده برای تغییر معنا وجود دارد که عبارت‌اند از: زبان‌شناختی، تاریخی، جامعه‌شناختی. هرچند این سه نوع می‌توانند با هم حالت‌های زیادی از تغییر معنا را تبیین نمایند. اما با این همه به هیچ‌وجه جامع نیستند. پس مهم‌ترین عوامل تغییر معنا می‌توانند به قرار زیر باشند: پیدایش نیاز؛ تحول اجتماعی و فرهنگی؛ احساسات عاطفی و روانی؛ انحراف زبانی؛ انتقال مجازی و نوآوری (مختار، ۱۳۷۰: ۱۹۰-۱۹۴).

کاربرد قرآنی واژه مبین

کلمه مبین ۸۴ بار در قرآن کریم در موضوعات مختلفی به کار رفته است. در بعضی از آیات این صفت با موصوفاتی که دارای بار معنایی مثبتی اند آمده است مثل بلاغ، فوز،

کتاب، نذیر. اما در بعضی از آیات با موصوفات منفی ذکر شده است چون عدو، ضلال، اِثم، خسران. البته در مواردی هم در کنار موصوفات مادی قرار گرفته است مانند دخان، افق، ثعبان که در ادامه مقاله به تک تک این موارد اشاره خواهد شد.

موصوفات با بار معنایی منفی

۱. عدو مبین

این ترکیب شش بار در قرآن کریم آمده که در همه موارد بر شیطان اطلاق شده است. خطاب خداوند در این آیات به مردم، حضرت یوسف، مؤمنان و بندگان مشرک می‌باشد. با مراجعه به تفاسیر مختلف این نتیجه حاصل شد که آشکار و "مبین" بودن دشمنی شیطان به گونه‌ای است که خداوند دشمنی او را به طور صریح اعلام کرد و بر همه فرشتگان نیز پس از ابای از سجده در برابر آدم(ع) ظاهر گشت. در تفسیر نور از مبین معنای جدی بودن تعبیر شده است. بنابر این در آیه شریفه:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾

(اسراء/۵۳)

هم می‌تواند خطاب آیه به مؤمنان باشد و هم به بندگان مشرک که به دشمنی شیطان به صورت آشکارا و جدی اشاره دارد. بر اساس «تفسیر نمونه» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶: ۲۷/۹۳) در آیه: ﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (زخرف/۶۲)، آشکار بودن دشمنی شیطان از سه جهت قابل فهم است:

اولاً: فطرت انسان دشمنی شیطان را درک می‌کند و این بر کسی پوشیده نیست.

ثانیاً: فریفتن آدم و حوا

ثالثاً: سوگند یاد کردن خود شیطان در گمراه ساختن انسانها به جز مخلصین.

۲. ضلال مبین

ضلال مبین ترکیبی است که خطاب به گروه‌های مختلف و از طرف افراد گوناگون به کار رفته و بسیار قابل تأمل است. به طور کلی این صفت و موصوف در سه موضوع قرآنی کاربرد دارد:

(۱) در بعضی از آیات نسبتی است که خدا راجع به وضع مردم دوران جاهلیت (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶: ۱۵۷/۳) یا تاریخ مردمان قبل از بعثت انبیاء به کار می‌برد و یا درباره کافرانی آمده است که به امور دنیوی مشغول‌اند، یا کورکورانه از نیاکان خود تقلید می‌کنند و یا مشرکان و کسانی که از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. در آیه ۳۲ سوره احقاف خداوند از کسانی صحبت می‌کند که از اجابت کسانی که داعی حق‌اند، اعراض نموده‌اند. خطاب از جانب خداوند به این گروه می‌شود و در این آیات "ضلال مبین" به معنی محیط گناه‌آلود و گمراه، از بین رفتن انسانیت و داشتن خوی حیوانیت است (حسینی، ۱۳۶۳: ۲/۲۹۲)؛ مثل آیه:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آل عمران ۱۶۴)

گاهی "مبین" بودن به آن معناست که آنقدر دیده حقجویشان را بسته بودند که حتی نمی‌توانستند، سرنوشت خود را تصور کنند و این به سبب اختلافی بود که در دین داشتند. اینان ضالالتشان دنیایی است و "ضلال مبین" بیانگر کوردلی آن‌هاست:

﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَ نَنَا لِكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (مریم ۳۸)

آیه ۵۴ سوره انبیاء نیز با این معنا هم مفهوم است: ﴿قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾. این آیه پرستش غیر خدا را ضلالت نامیده (قرشی، ۱۳۷۷: ۶/۵۲۵) و آوردن صفت "مبین" برای آن است که مشرکان هیچ دلیلی بر ادعای خود که غیر خدا مستحق پرستیدن باشد ندارند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۸/۴۰۴).

واژه "مبین" همچنین در این مفهوم نیز آمده است که خدا به خوبی ضلالت مشرکان را می‌داند و دل‌های حق‌طلب هم این گمراهی را می‌فهمند. خداوند در آیه ۸۵ سوره قصص می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

مورد دیگری که این صفت را خداوند به کار برده، جایی است که ظالمان، مخلوق را با خالق برابر می‌دانستند و یا شریک عاجزی برای خدای قادر و توانا قائل شدند. خداوند در آیه ۱۱ سوره لقمان می‌فرماید:

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

یعنی هیچ کسی نمی‌تواند در مورد گمراهی آنان تردید نماید. از این رو واژه "مبین" استفاده شده است.

۲) گاه این خطاب از جانب انسان‌ها به انسان‌های دیگر اطلاق شده است. مثلاً در آیه ۳۰ سوره یوسف خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

زنان مصر زلیخا را در گمراهی آشکاری می‌بینند و می‌گویند چرا باید زلیخا به حدی سقوط کند که با غلامش که از طبقه آن‌ها نیست، قصد مراوده داشته باشد.

همچنین در آیه ۸ سوره یوسف نیز فرزندان یعقوب صفت ضلالت را به پدرشان نسبت می‌دهند و به این خاطر گمراهی پدر را "مبین" می‌دانند. در اینجا فرزندان یعقوب به هنگام معاشرت با پدر، مفضل را بر فاضل مقدم داشته‌اند که شاید خدا در با استفاده از واژه "مبین" در نظر دارد تا بیان کند که حسادت مرز میان ابوت و نبوت را در هم می‌شکند و فرزندان نسبت بی‌عدالتی به پیامبری پدرشان می‌دهند:

﴿إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

البته در تفسیر «المیزان» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۹۵) اشاره به این نکته شده که ضلالتی که در این آیه با واژه "مبین" هم‌نشین شده است در امر زندگی دنیوی است نه در امور دینی.

خداوند در سوره اعراف نیز واژه "مبین" را به کار برده است:

﴿قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (اعراف / ۶۰)

اشراف قوم نوح(ع) کسانی بودند که هیبت آنان، دل‌های مردم را آکنده ساخته و زینت و جمالشان چشم‌ها را پر کرده بود. توقع نداشتند کسی پیدا شود که بر بت‌پرستی آنان اعتراض کند. از این رو به حضرت نوح(ع) نسبت ضلالت را دادند(طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۸ / ۱۸۰) و کاربرد صفت "مبین" بدین سبب بوده است.

۳. سحر مبین

کلمه "مبین" در ۵ جای قرآن صفت برای واژه سحر قرار گرفته که در این آیات، نوعی لجاجت و سرسختی در میان بوده است. این آیات در مورد مشرکان مکه، منکران،

کافران و قوم بنی اسرائیل است که درخواست معجزه می‌کردند، اما ایمان نمی‌آوردند و آن معجزات الهی را سحر می‌خواندند و در نهایت لجاجت و عناد این صفت را به پیامبر نسبت می‌دادند (طبرسی، ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰: ۲ / ۲۹۷). در تفسیر «کاشف» (مغنیه، ۱۹۸۱: ۹ / ۶) در این باره آمده است: «کابروا وعاندوا وکذبوا علی الله وعلی انفسهم فی قولهم سحر مبین». پس واژه "مبین" در این آیات به معنی ظاهر و آشکار است. به گونه‌ای که همگان قادر به درک آن‌اند. از این رو صاحب تفسیر «حجة التفاسیر» (بلاغی، ۱۳۴۵: ۲ / ۱۹۳). در آیه هفتم سوره انعام از آن به عنوان «حيلة لطيفة ظاهرة» تعبیر کرده است:

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾

در این آیه معاندان می‌گفتند که کتاب باید با چهار فرشته بر تو نازل شود تا ما ایمان بیاوریم. عناد، سرسختی و سنگدلی آن‌ها به حدی رسیده بود که می‌گفتند این کتاب جز سحر چیزی نیست. در واقع از ترکیب "سحر مبین" این معنا دریافت می‌شود. نسبت سحر از رایج‌ترین نسبت‌هایی بوده که مشرکین به پیامبر می‌دادند. در تفسیر «تبیان» (طوسی، ۱۴۰۶: ۴ / ۸۲) آمده است که «نسبوه الی السحر لعظم عنادهم وقساوة قلوبهم وعزمهم علی أن لا يؤمنون علی کل حال».

در آیه ﴿فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ (نمل / ۱۳)، "مبین" به معنای واضح و آشکار بکاررفته و نشانگر تعجب پیامبر (ص) از انکار معاد و استهزاء و رد مشرکان است.

۴.۴. اِثْمٌ مَّبِينٌ

کلمه "مبین" تنها در آیات ۵۰ سوره نساء و ۵۸ سوره احزاب در کنار موصوف "اِثْمٌ" آمده است. در آیه نخست دلالت بر کسانی دارد که خودستایی می‌کنند و خود را از عیب مبرا می‌دانند و به خدا دروغ بسته‌اند. این آیه از کسانی صحبت می‌کند که یا نسبت فرزند به خدا می‌دهند و یا از دشمنان خدایند و خود را دوست او معرفی می‌کنند و پسران خدا می‌دانند:

﴿انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا﴾ (۵۰ / نساء)

این اعتقادات همگی گناه آشکار است چراکه سبب فساد ارزش‌ها می‌شود. چشم مردم را بر روی حقایق می‌بندد و ضلالت آن‌ها را به دنبال دارد. واژه "مبین" در این آیه بیانگر

آن است که افترای به خدا مفتری را از اعتبار می‌اندازد و شخصیت اجتماعی‌اش را پایمال می‌کند.

اما در آیه دوم "اثم مبین" معنای وسیع‌تری نسبت به آیه اول دارد. چه خداوند در آنجا می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (احزاب/

(۵۸)

همان‌طور که در تفسیر «روان جاوید» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۴/۳۳۹) اشاره شده این ترکیب به معنی آزار و اذیت خدا، پیغمبر، مردان و زنان مؤمن است. بنا بر گفته شریف لاهیجی (۱۳۷۳: ۳/۶۶۰)، این عبارت در رابطه با جمعی از منافقان به کار رفته که حضرت علی (ع) را رنجاندند و او را از حق ولایت خویش پس از پیامبر (ص) محروم کردند.

بنابراین در جایی که این ترکیب به کار رفته اشاره‌ای به زایل شدن حقی، یا آزار و اذیت خدا و مؤمنان و یا دروغ بستن به خدا دارد و آوردن صفت "مبین" بیانگر آن است که مشرکان هیچ ابایی نداشته و آشکارا مرتکب آن می‌شوند.

۵. خصیم مبین

این موصوف فقط دو بار در قرآن کریم در کنار صفت "مبین" آمده است. در هر دو سوره هم خطاب خداوند به انسان‌هاست و می‌خواهد خلقت انسان از نطفه بی‌ارزش را به بشر یادآوری کند. در این دو آیه که "مبین" صفت "خصیم" واقع شده سخن از مجادله انسان با خداست: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ﴾ (نحل/۴). آشکار بودن جدل انسان بدان معناست که او می‌خواهد سخن خود را با حجت ثابت کند. یعنی انسان چنان مغرور و متکبر می‌شود که به دشمنی در برابر خدا بر می‌خیزد.

شاید آوردن صفت "مبین" از این رو باشد که انسان با وجود این همه نعمت باز هم در صدد کفران نعمت‌های الهی بر می‌آید و راه ناسپاسی را در پیش می‌گیرد.

اما در آیه ۷۷ سوره یس از تفکر انسان درباره خلقتش سخن به میان می‌آورد که چون راز آفرینش خویش را نمی‌داند، با خداوند به مجادله می‌پردازد. "خصیم مبین" در

این آیه یعنی مغرور شدن به کمالی که انسان به آن رسیده و در نتیجه آن به مجادله با خدا پرداخته است. بنابراین "مبین" یعنی اینکه انسان به جایی می‌رسد که بی‌شرمانه با الطاف الهی به جدل می‌پردازد. در حقیقت هیچ صفت دیگری نمی‌توانست به این زیبایی معنای خصم را بفهماند.

۶. خسران مبین

این ترکیب در دو جای قرآن آمده است. نخست در آیه ۱۱ سوره حج و در مورد کسانی است که با شک و تردید به خدا ایمان دارند. دوم یعنی آیه ۱۵ سوره زمر که از کسانی سخن می‌گوید که به جز خدا دیگران را نیز می‌پرستند:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (حج / ۱۱)

"خسران مبین" در این آیه بدین معناست که مردان هم در دنیا و هم در آخرت چیزی به دست نمی‌آورند و "مبین" را بدان جهت آورده است.

"مبین" ممکن است به معنای عظیم باشد. یعنی محروم شدن از عافیت دنیا و آخرت که بزرگ‌ترین خسران است:

﴿فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّن دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (زمر / ۱۵)

در این آیه کلمه "مبین" نیز همانند آیه قبل به معنای آشکار و روشن به کار رفته است. مفاهیمی که از این صفت طبق تفاسیر مختلف دریافت می‌شود عبارت‌اند از:

۱) خسران مبین که به معنی پرستیدن غیر خدا و خودفروشی است. انسان‌ها عمدتاً در معامله باید یا سود کنند و متحمل ضرر نشوند. اما مشرکان چون آخرت را می‌بازند، زیان آشکار می‌بینند.

۲) از خسران مبین فهمیده می‌شود که چون این زیان قابل جبران نیست، صفت "مبین" آورده شده است.

۳) برای کمال مبالغه در خسران این صفت آمده است.

واژه "مبین" در جاهایی که صفت برای خسران واقع شده، دلالت بر آن دارد که یک زیان دو جانبه رخ داده است. یعنی چیز دیگری برای انسان باقی نمانده و هم دنیا و هم

آخرت را از دست داده است و یا بر قابل جبران نبودن آن زیان دلالت دارد. در هر حال "مبین" به معنی خسارتی حقیقی، واقعی و بزرگ است.

۷. افک مبین

﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ (نور / ۱۲)

در این آیه خداوند مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب پذیری آن‌ها در برابر شایعات توییح می‌کند. نظر اکثر مفسرین این است که افک مبین به این معناست که این قضیه از اساس دروغ است.

مبین به معنای مسلم و صرف می‌باشد. افک مبین یعنی دروغ مسلم و بهتان صرف (بروجردی، بی‌تا: ۴ / ۴۷۸).

۸. مصل مبین

﴿وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ﴾ (قصص / ۱۵)

موضوع مورد بحث این آیه این است که میان دو نفر نزاعی رخ داد و سبب کشته شدن یکی از آن دو به دست حضرت موسی (ع) شد.

حضرت پس از قتل آن مرد فرمود این کار شیطان بود که مرا چنین گرفتار کرد. بیان این سخن از جانب موسی دلیلی است بر "مبین" بودن کید شیطان. چه، وسوسه شیطان همیشه با انسان‌هاست و این مطلب بر همگان روشن است.

۹. کفور مبین

﴿وَجَعَلُوا اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا لَئِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ﴾ (زخرف / ۱۵)

خداوند در این آیه می‌فرماید که چگونه ملائکه را دختران خدا می‌خوانید؟ "مبین" بودن کفران انسان چندین معنا دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- با اینکه نعمت‌های الهی سراسر وجود او را احاطه کرده است، باز هم کفران نعمت را در پیش می‌گیرد.
- ۲- جنس هر انسانی ناسپاسی است لذا از صفت "مبین" استفاده شده است.
- ۳- انسان منکر است و انکار خود را آشکار می‌سازد.
- ۴- شریک دانستن مخلوق در کارهای خالق خود ناسپاسی آشکار است.

موصوفات با بار معنایی مثبت

۱. سلطان مبین

واژه "مبین" در قرآن کریم ۱۱ بار صفت سلطان واقع شده و درباره افراد مختلفی نازل شده است. در ۸ آیه مصداق آن فرعون و قومش، اشرافیان قوم موسی، قوم نوح، قوم عاد، قوم ثمود و تکذیب کنندگان می‌باشد. "سلطان مبین" در این آیات به معنی حجت، دلیل و برهان آشکار است که بر عقل چیره شود؛ یا به معنای سلطه پیدا کردن از هر جهت می‌باشد؛ یا به معنی مطلق معجزه است؛ یا درباره معجزه‌های موسی و دیگر پیامبران الهی برای واضح شدن امری است. در آیات دیگری به معنی قوه قهریه و سلطه الهی است که نگذاشت فرعون، حضرت موسی را از بین ببرد. ترکیب "سلطان مبین" به معنی کیفیت دلالت معجزات بر صدق است.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (هود/ ۹۶)

در این آیه "سلطان مبین" هم به معنی معجزه است و هم حجت عقلیه. گفته شده که به معنای عصای حضرت موسی نیز می‌باشد.

﴿أَمْ لَهُمْ سُلْطَانٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (طور/ ۳۸)

آیه فوق درباره تکذیب کنندگان و خطاب به مردم است و "سلطان مبین" به معنی برهانی آشکار است که در کلیت، شمول و زیبایی اسلوب و تسلط بر عقل و نفس انسان همچون قرآن باشد. طبق تفسیر «المیزان» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۹/ ۱۹)، «نمونه» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶: ۲۲/ ۴۵۶) و «اثنی عشری» (حسینی، ۱۳۶۳: ۱۲/ ۳۱۲) ترکیب "سلطان مبین" به معنی دلیل و حجت روشن و هویدا بر صدق مدعاست.

دومین موضوعی که قرآن به آن پرداخته در آیه ۱۴۴ سوره نساء مطرح شده است که خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾

این آیه درباره بت پرستان، مشرکان و کفار مکه است که دوستی با آنها حجتی آشکار بر نفاق مؤمنان محسوب می شود. ممکن است به معنی ذلت و عذاب شخص باشد یا به معنی حجت واضح برای خدا است که با آن در قیامت مشرکان را عذاب می کند. سومین موضوعی که این ترکیب در آن به کار رفته در آیه ۲۱ سوره نمل آمده است:

﴿لَا عُدْبَةَ عَذَابًا شَدِيدًا أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَرْتَابُونَ﴾

این آیه درباره بیان استدلال هدهد در حضور سلیمان نبی آمده است و "سلطان مبین" به معنی دلیل قانع کننده به کار رفته است. یعنی همان عذر مقبول هدهد است که باید برای تأخیر خود دلیل قانع کننده ارائه کند.

در یک مورد "سلطان مبین" در قرآن به معنای کتاب آسمانی به کار رفته که از ناحیه خدای سبحان بر مشرکان نازل شده است. در این آیه کفار معتقد بودند که جنها اولاد خداوندند و خداوند می فرماید: ﴿أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ﴾ (صافات / ۱۵۶).

۲. بلاغ مبین

در ۷ سوره ای که این صفت در کنار واژه "بلاغ" آمده دستور به اطاعت از خدا، رسول و تهدید کافران و تحذیر مردم است. این آیات نوعی آرامش برای پیامبران بوده است:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

(مائده / ۲۱)

﴿وَإِن تَكذَّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (عنکبوت / ۱۸)

مخاطب این آیات مردم، مشرکان، کافران، قوم نوح و کوردلان لجوج هستند. کاربرد واژه "مبین" در این هفت آیه آن هم با عبارتهایی مشابه شاید بر این امر دلالت کند که تبلیغ باید رسا و روشن باشد و هیچ ابهام و خفایی در آن وجود نداشته باشد.

۳. نذیر مبین

خداوند این ترکیب را در ۷ جای قرآن آورده است که در همه جا به معنای هشدار آشکار است. در آیات زیر این هشدار خطاب به عموم مردم چه مسلمانان و چه غیر مسلمانان به کار رفته است:

﴿أُولَئِكَ فَكَّرُوا مَا بَصَّحِيحِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ لَنْ هُمُوهَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ (اعراف / ۱۸۴)

﴿لَنْ يُوْحَىٰ إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (ص / ۷۰)

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا كُنُودٌ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (حج / ۴۹)

در این آیات در واقع نوعی تخلف از فرمان الهی وجود دارد و یا بهره نبردن از قدرت تفکری است که خداوند برای درک حقایق هستی به بشر عطا کرده است. ممکن است از این عبارت به عنوان ابزاری برای هدایت انسان بهره برده شود. در هر حال معنای واژه "مبین" در این آیات عبارت است از:

(۱) به معنی نجات از ظلمت ضلالت و وادی جهالت به به سوی نور و مقام معرفت.

(۲) به معنی صریح و آشکار حرف زدن با مردم مغرور.

(۳) حرف زدن و ترساندن به گونه‌ای است که همه صدای او را بشنوند.

ترکیب "نذیر مبین" در دو جا درباره کافران به کار رفته است:

﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ (عنکبوت /

(۵۰)

﴿قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ (ملک / ۲۶)

افزون بر معانی گفته شده، می‌توان دریافت که "نذیر مبین" هشدار به زبانی است که همگان آن را در می‌یابند و با اظهار معجزه بر صدق دعوی خود به آن اقدام می‌کنند. در این مفهوم معجزه می‌تواند نمود بارزی از معنای "مبین" قلمداد شود.

در دو آیه خطاب "نذیر مبین" درباره قوم نوح به کار رفته است:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنُودٌ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (نوح / ۲)

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (هود / ۲۵)

در این آیات "مبین" بودن انذار نوح به معنی با برهان و بی‌پنه سخن گفتن و مشرکان را از عذاب خدا ترساندن است. و یا شاید بدان معنا باشد که نوح همچون بیش‌تر مردم زمان خود به اوضاع نظری لابلای‌گری نداشت.

۴. کتاب مبین

این عبارت ۱۲ بار در قرآن کریم به کار رفته و در همه آیات منظور لوح محفوظ (طوسی، ۱۴۰۶: ۵ / ۴۵۰) است. همچنین در آیه ۱۵ سوره مائده، دلالت بر پیمان شکنی اهل کتاب و یهودیان نیز دارد. منظور از "کتاب مبین" کتابی است واضح با معجزاتی بین و آشکار. گاه به معنای احکام اسلام است (کاشانی، ۱۳۴۴: ۳ / ۱۹۹). خداوند در آیه ۵۹ سوره انعام بیان می‌دارد که علم و قدرت الهی بر تمامی اسرار غیب احاطه دارد. "کتاب مبین" را عموم مفسران در این آیه به معنی لوح محفوظ و توده مردم آن را به معنای قرآن می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۶: ۳ / ۴۵۸). گاه به معنی خالی از ابهام نیز آمده است. در آیات ۶۱ سوره یونس و ۳ سوره سبأ نیز منظور از "کتاب مبین" همان لوح محفوظ است. آیه اول دلالت بر آگاهی خداوند از دروغ بستن مشرکان و احاطه داشتن خود بر همه چیز دارد. آیه دوم نیز درباره کافرانی است که رستاخیز را انکار کردند (خزاعی، ۱۳۶۶: ۱۶ / ۳۴):

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (سبأ/۳)

در بعضی از آیات "کتاب مبین" به معنی قرآنی است که حلال و حرام را از یکدیگر جدا می‌سازد و قوانین اسلام را که مردم بدان نیاز دارند، تشریح می‌کند. پس آیات موعود در تورات همان آیات کتابی است که معنای آن ظاهر و اعجازش باهر است. در آیه‌ای نیز "مبین" به این معناست که بر همه مردم روشن است و حلال و حرام را تبیین می‌کند:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده/ ۱۵)

۵. شیء مبین

این آیه از استدلال‌های منطقی حضرت موسی در برابر تهدید فرعون سخن می‌گوید:

﴿قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ﴾ (شعراء/ ۳۰)

معانی این ترکیب در تفاسیر به شرح زیر آمده است:

(۱) چیزی که در آن دلالتی چنان آشکار وجود دارد که با عقل‌های بسته و جامد شما هم سازگار است.

- (۲) معجزه انبیاء حقیقت دارد و مردم به خوبی آن را درک می‌کنند.
(۳) قدرت الهی که موسی به آن تکیه می‌کند تا معجزه‌ای بیاورد.

۷. فتح مبین

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ (فتح / ۱)

طبق نظر اکثر مفسران این آیه درباره صلح حدیبیه نازل شده است. شاید منظور فتح مکه باشد یا واژه "مبین" به معنی فتح معنوی است.

۸. قرآن مبین

در آیه ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ﴾ (حجر / ۱)، قرآن به آن دلیل "مبین" نامیده شده که بیان کند مفاهیم قرآن روشن و آشکار است و مرز حق و باطل را مشخص می‌کند. شاید چون قرآن مبین حلال، حرام، اوامر و نواهی است، از این صفت استفاده شده است.

۹. حق مبین

در آیه ﴿يَوْمَ يَدْعُوكَ فِيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ﴾ (نور / ۲۵)، خداوند تابناک‌ترین حقایق است و این حقیقت به سهولت هرچه تمام‌تر بر سرشت آدمی جلوه‌گر می‌شود و اثبات آن نیازی به برهان و فلسفه ندارد.
در واقع "حق مبین" یعنی عادل‌ی که عدالتش ظاهر است. یعنی خدا ذاتی است که برای بندگان خود حقایق امور را و جلال آیات را بیان می‌نماید. نشانه‌های حقانیت خدا آنچنان واضح است که سرسخت‌ترین انسان‌های لجوج را به اعتراف وا می‌دارد.

موصوفات مربوط به اشیاء مادی

۱. ثعبان مبین

"مبین" در آیه ﴿الْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾ (اعراف / ۱۰۷) به معنی ظاهر شدن شیء مادی می‌باشد. یعنی تبدیل ماهیت عصای موسی به اژدها معجزه‌ای بود که می‌توان آن را دید. این تغییر و تحول در حیطه قدرت سبحانی بود و ویژگی‌های ظاهری و جسمی

آن قابل رؤیت است. به عبارت دیگر این معجزه چندان آشکار بود که هیچ شکی و شبهه‌ای را برای کسی بر جا نگذاشت و کسی در مورد آن اشتباه نمی‌کند. البته در «تفسیر نمونه» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶: ۱۵۶/۶) گفته شده که کاربرد صفت "مبین" برای عصای موسی اشاره به آن دارد که تبدیل عصا به اژدها سحر، تردستی و چشم بندی نبوده است.

۲. شهاب مبین

فقط در یک جا این ترکیب به کار رفته است: ﴿إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ﴾ (حجر/ ۱۸). آن وقتی بود که شیطان می‌خواست به آسمان نزدیک شود و سخن ملائکه را بشنود و از آینده باخبر گردد. "مبین" در این آیه به معنی درخشان و روشن است که در این هنگام شعله آشکاری ظاهر می‌شود و حقیقت را بر ملا می‌کند. همچنین "مبین" به معنای روشنایی علم نیز در نظر گرفته شده است. در این صورت روشنگران جامعه باید شیطان صفتان را با شهاب علم دنبال کنند و پاسخ وسوسه شیطان باید بسیار علنی باشد.

۳. أفق المبین

این واژه در آیه: ﴿وَلَقَدْ رَأَوْهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ﴾ (تکویر/ ۲۳) به معانی زیر دلالت دارد:
 (۱) افق مبین به این معناست که طرف مشرق نسبت به مغرب هویدا و ظاهرست.
 (۲) در جایگاه ملاقات پیامبر با جبرائیل جای هیچ ابهامی نیست.
 (۳) افق آشکار کننده فرشتگان است که پیامبر جبرائیل را در آنجا دید.

۴. دخان مبین

آیه زیر تنها موردی است که واژه "مبین" با موصوف "دخان" آمده است: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ﴾ (دخان/ ۱۰).
 دلالت‌های معنایی آیه به شرح زیر است:
 (۱) این آیه تهدید به منکران لجوج می‌باشد و طبق «تفسیر نمونه» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶: ۱۵۷/۲۱) مخاطب پیامبر است.

۲) "مبین" در این آیه نیز شکلی مادی دارد و آن دودی است که برای همگان قابل رؤیت باشد.

۳) دودی که آشکارا پدید می‌آید و برای عذاب کافران هم ممکن است از این عبارت استفاده شود.

نتیجه بحث

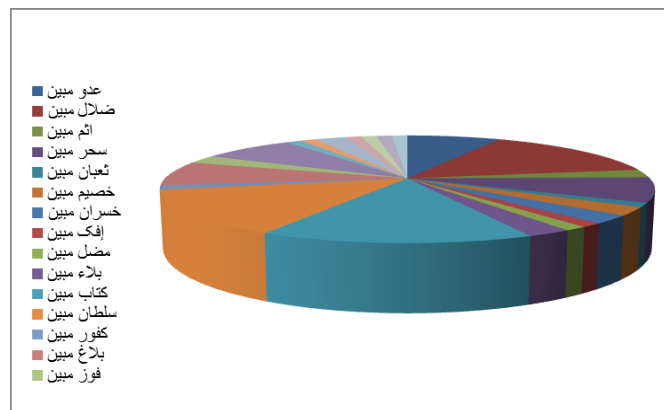
از آنچه گذشت می‌توان سیر تحول معنایی واژه "مبین" را به طور خلاصه در جدول زیر گنجانند تا تفاوت‌های معنایی حاصل از این کلمه بهتر دانسته شود. بنابر این واژه "مبین" در سه موضوع کلی که از آیات درک می‌شد، آورده شده و تفاوت آیات تحت عنوان موضوعات کلی قرار گرفته است.

موصوفات منفی	موصوفات مثبت	موصوفات مربوط به طبیعت
محیط گناه آلود و گمراه کننده	معجزه و حجت عقلیه	معلوم شدن حقیقت
از بین رفتن انسانیت و رویه ددمنشی	حجت واضح برای خدا است که با آن در قیامت عذاب می‌کند	دودی برای عذاب کافران که آشکار است
کوردلی جاهلان	دلیل قانع کننده	
درک این گمراهی توسط خدا و دل‌های حق طلب	کتاب آسمانی	
عدم تردید کسی در این گمراهی	عدم ابهام و خفا در تبلیغ	
عدم توقع قوم نوح و اعتراض بر بت پرستی آن‌ها	صریح و آشکار حرف زدن با مردم مغرور	
نهایت لجاجت و عناد	برهان و بینه درباره عذاب خدا و ترساندن از آن	
سرسختی و سنگدلی معاندان	لوح محفوظ	
ابا نداشتن از زایل شدن حقی و یا آزار و اذیت خدا و مؤمنان و دروغ بستن به خدا	قدرت الهی	
دشمنی در برابر خدا	فتح معنوی	

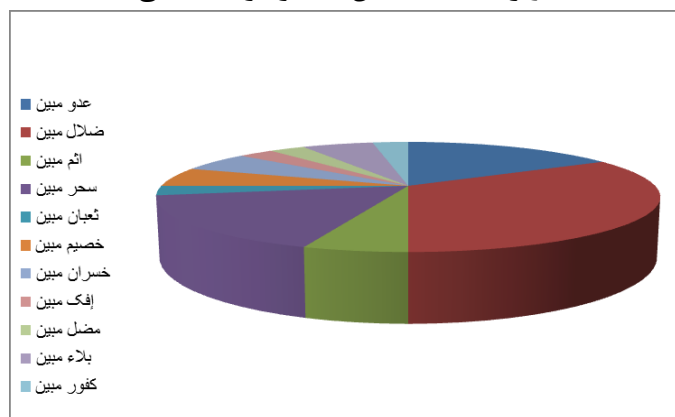
	از دست دادن عاقبت در دنیا و آخرت	مشخص شدن مرز بین حق و باطل به وسیله قرآن
	پرستیدن غیر خدا	
	دروغ مسلم و بهتان صرف	
	روشن بودن وسوسه شیطان برای همگان	
	ملائکه را دختران خدا دانستن	
	ناسپاسی ذاتی انسان	

با ارائه آمار بهتر می توان نتایج حاصل از کاربرد واژه "مبین" در قرآن کریم را تفسیر و تبیین کرد که در نمودار زیر بدان پرداخته شده است.

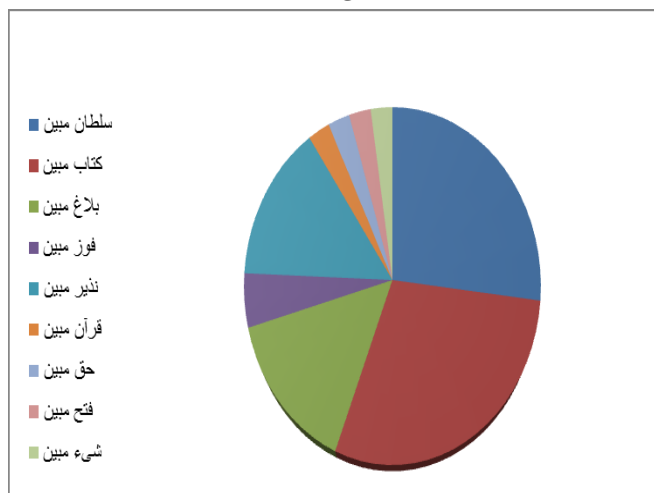
کاربرد صفت "مبین" با موصوفات مختلف



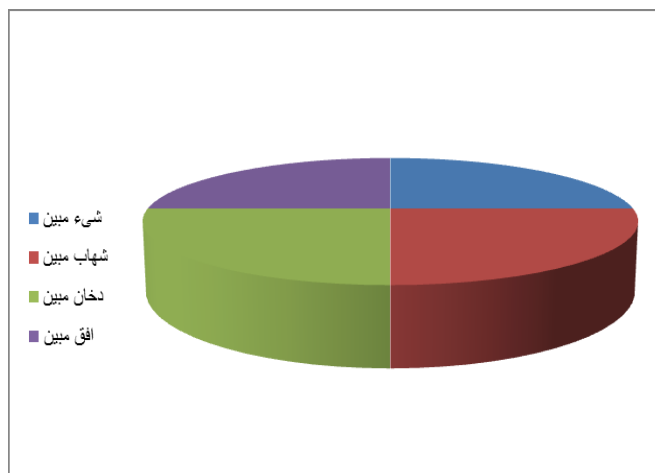
کاربرد صفت "مبین" با موصوفات منفی



کاربرد صفت "مبین" با موصوفات مثبت



کاربرد صفت مبین با موصوفات مادی



کتابنامه

قرآن کریم.

ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۷۳ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه احمد آرام، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بروجردی، سید ابراهیم. بی تا، **تفسیر جامع**، تهران: انتشارات صدر.

بلاغی، سید عبد الحجت. ۱۳۴۵ش، **حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر**، قم: انتشارات حکمت.

تفسیر نور، نرم افزار حبل المتین.

تقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ق، **روان جاوید**، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، **تفسیر اثنی عشری**، تهران: انتشارات میقات.

خزاعی نیشابوری، حسین بن علی. ۱۳۶۶ش، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

شریف لاهیجی، محمد بن علی. ۱۳۷۳ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران: دفتر نشر داد.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۳ش، **المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۵۰-۱۳۶۰ش، **مجمع البیان**، ترجمه سید ابراهیم میرباقری و دیگران، تهران: انتشارات فراهانی.

طوسی، محمد. ۱۴۰۶ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، به کوشش احمد حبیب قصیر العاملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **تفسیر أحسن الحدیث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.

کاشانی، فتح الله. ۱۳۴۴ش، **منهج الصادقین**، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

مختار، احمد. ۱۳۷۰ش، **معناشناسی**، تهران: انتشارات فراهانی.

مغنیه، محمدجواد. ۱۹۸۱م، **الکاشف**، چاپ سوم، بیروت: دار العلم للملایین.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۵۳-۱۳۶۶ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

ممتحن، مهدی و محمد عظیمی. ۱۳۹۴ش، «معناشناسی تقیه در قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۶۱-۷۹.

Bibliography

Holy Quran

Izutsu, Toshihiko. 1373 sb. God and man in the Qur'an (Ahmad Aram trans.) 3rd ed. Tehran: Islamic culture publication center.

Borujerdi, Seyyed Ibrahim. Jame'e Interpretation, Tehran: Sadr publishing, Bita

Belaghi, seyed Abdul Hojjat. 1345 sb. Hojjat-al-Tafasir o Belagh-al- Akasir, Qom: Hekmat publishing

Saghafi Tehrani, Muhammad. 1398 h. Ravaan-e-javid [immortal spirit], 3rd ed. Tehran: Borhan publishing

Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein-bin-Ahmad, 1363sb. Ithna Ashari interpretation, Tehran: Mighaat publishing

Khazae neyshaboori, Hossein-bin-Ali, 1366 sb. Rawz al-jinan wa ruh al-jinan, Mashhad: Islamic research of Astan quds razavi

Sharif Lahiji, mohammad-bin-Ali, 1373 sb. Sharif Lahiji interpretation, Tehran: Daad publishing center

Tabataba'I, Muhammad Husayn, 1363 sb. Al-Mizan interpretations (Seyyed Muhammad Bagher musavi Hamedani trans.), Qom: Islamic publications publishing

Tabarsi, Fazl-bin-Hassan. 1350-1360 sb. Majma' al-Bayan (Seyyed Ibrahim Bagheri and others trans.), Tehran: Farahaani publishing

Tusi, Muhammad. 1406 h. Al-Tibbyan Fi Tafsir al-Quran (Ahmad Habib Ghasir Ameli), Qom: Maktab-al-a'alam-al-islami

Ghoreyshi, Seyyed Ali Akbar, 1377 sb. Ahsan-al-Hadis interpretations, 3rd ed. Tehran: Be'esat center

Mokhtar, Ahmad. 1370 sb. Semantics, Tehran: Farahaani publishing

Examiner, Mahdi and Muhammad Azimi, 1394 sb. "Taqiya semantics in Quran", Qurani quarterly, 6th yr. 23 no. pp.61-79

Kashani, Fath Allah, 1344 sb. Monhaj-al-Sadeghin, 2nd ed. Tehran: Islamieh bookstore

Moghnie, Muhammad javad, 1981, Al Kashef, 3rd ed. Beirut: Dar-al-elm lammanyayn

Makkarem Shirazi, Naser and others. 1353-1366 sb. Nemooneh interpretation, Tehran: Islamieh dar-al-ketab

Noor interpretation, Hablolmatin software